

سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با ایران‌هراسی (با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

ک مجید مبینی مقدس / دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالمومنین
سیدمحمدحسین هاشمیان / استادیار دانشگاه باقرالمومنین
دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۹

چکیده

از بدو پیدایی انقلاب اسلامی ایران، ایران‌هراسی به‌مثابه نوعی ایران‌ستیزی، از سوی دشمنان انقلاب اسلامی ایران در گستره دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان در حال انجام است. پرسش اصلی این تحقیق آن است که برای مقابله با سیاست ایران‌هراسی در سطح ملت‌ها، چه سیاست فرهنگی‌ای را باید در پیش گرفت؟ بنا بر یافته‌های این تحقیق که با رویکرد توصیفی تبیینی انجام گرفته است، برای مقابله با ایران‌هراسی در گستره ملت‌ها، دیپلماسی فرهنگی گزینه مطلوب است که در آن کوشش می‌شود با استفاده از ابزارهای فرهنگی، تصویری مثبت از واقعیت یک کشور برای مردم دیگر کشورها ترسیم شود. تحلیل مضمون بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد مضمون فراگیری که باید در فرایند دیپلماسی فرهنگی به ملت‌ها منتقل شود، «معرفی ایران» است که در ذیل آن مضامین سازمان‌دهنده معرفی ایران اسلامی، معرفی ایران انقلابی و معرفی ایران فرهنگی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست فرهنگی، ایران‌هراسی، دیپلماسی فرهنگی.

مقدمه

امروزه ایران‌هراسی به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دشمنان ایران بدل شده است و در بسیاری از رسانه‌های جهان و منطقه، چهره‌ای نامناسب از ایران به جهانیان و به‌ویژه مردم مسلمان منطقه ارائه می‌شود. از این‌رو می‌توان ایران‌هراسی را یک مسئله در گستره بین‌المللی در نظر گرفت و برای حل آن چاره اندیشید.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که برای مقابله با مسئله ایران‌هراسی، چه سیاست فرهنگی‌ای را باید در پیش گرفت؟ به بیان دیگر، اگر سیاست‌گذاری فرهنگی را به سه مرحله کلان «تدوین و تنظیم»، «اجرا» و «ارزیابی» تقسیم کنیم (قلی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵)، این تحقیق عمدتاً بر مرحله نخست و به‌ویژه گزینه‌سازی (راه‌حل‌یابی) متمرکز است.

رویکرد تحقیق، توصیفی تبیینی است. تحقیق توصیفی در مقابل تحقیق هنجاری (ذکر باید‌ها و نباید‌ها) قرار می‌گیرد و به گونه‌های توصیفی-مشاهده‌ای (خاص، محض، صرفاً توصیفی)، توصیفی-تبیینی (تعلیلی، کشف علل)، توصیفی-تحلیلی (بیان آثار و پیامدها) و توصیفی-نقدی (داوری، نقد نظری و عملی) قابل تفکیک است (ر.ک: ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۶). در این پژوهش، می‌کوشیم تا با روش توصیفی-تبیینی، بتوانیم عواملی را بیابیم که در رابطه‌ای علی بتوانند بر ایران‌هراسی تأثیر بگذارند و اثرات آن را تا حد ممکن کاهش دهند.

روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، اسنادی است که با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات علمی مرتبط با موضوع، داده‌های لازم گردآوری شده است. برای شناخت اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز، متن دیدارهای ایشان با مسئولان وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، سفرای کشورهای خارجی، حوزه‌های علمیه خارج از کشور و... عمدتاً از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰، با استفاده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نرم‌افزارهای دربردارنده مشروح بیانات ایشان (نرم‌افزار حدیث ولایت، از محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) مورد بررسی قرار گرفت. گفتنی است که گاه برخی سخنرانی‌های ایشان در هیچ‌کدام از این دو منبع وجود نداشت که برای دستیابی به آنها از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری استفاده شد. برای مثال می‌توان به سخنرانی ایشان در دیدار نمایندگان فرهنگ اشاره کرد که در تاریخ ۱۱ اسفند ۸۸ انجام شد؛ اما هیچ‌کدام از دو منبع اصلی پیش‌گفته، آن را ذکر نکرده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها در بخش اندیشه مقام معظم رهبری نیز روش تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، روشی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و

جدول ۱. مراحل سیاست‌گذاری عمومی

ارزیابی	اجرا	تدوین و تنظیم		
		تصویب سیاست	تصمیم‌گیری	گزینه‌سازی
				دستورگذاری

در مرحله دستورگذاری یا تعیین دستور کار، خط‌مشی‌گذار مشخص می‌کند که آیا اساساً مسئله باید در دستور کار خط‌مشی‌گذاری قرار گیرد یا خیر؟ (همان، ص ۱۲۷) در مرحله گزینه‌سازی یا راه‌حل‌یابی، خط‌مشی‌گذار به جمع‌آوری مجموعه‌ای از گزینه‌ها و راه‌حل‌های مختلف در محدوده زمانی خاص و ارزیابی مزایا و منافع ناشی از آن می‌پردازد (همان، ص ۱۳۰). در مرحله تصویب سیاست، خط‌مشی‌ها مشروعیت سیاسی می‌یابند و قانونی می‌شوند. به بیان دیگر، سیاست‌گذار پس از انتخاب گزینه مناسب می‌کوشد گزینه انتخابی را به تصویب نهاد قانونی برساند (همان، ص ۱۳۵).

مراحل سیاست‌گذاری عمومی بی‌شبهت به مراحل حل مشکلات فردی نیست. در سطح فردی این مراحل طی می‌شوند: تعریف مسئله، شناخت راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. در سطح کلان و دولتی، شاکله تغییر نمی‌کند و صرفاً دو مرحله دستورگذاری (تعیین دستور کار) و تصویب به آن افزوده می‌شود.

۲. مسئله‌یابی: ایران‌هراسی

در آغاز بحث، به منظور دقت‌افزایی در مباحث، ضروری می‌نماید اصطلاحاتی که دایره مفهومی نزدیکی دارند از یکدیگر تفکیک شوند که از جمله آنها ایران‌ستیزی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی است. ایران‌ستیزی تمامی شیوه‌های ستیز و دشمنی با ایران را دربر می‌گیرد که یکی از اقسام آن ایران‌هراسی است. بنابراین ایران‌ستیزی اعم از ایران‌هراسی است. شیعه‌هراسی نیز به معنای القای ترس مفرط و بدون منطق از مذهب تشیع است. شیعه اعم از ایرانی است و از این رو شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی را نیز دربر می‌گیرد؛ هر چند این نوع از ایران‌هراسی، ناظر به بعد عقیدتی و نه سیاسی است.

ایران‌هراسی از مسائلی است که مراحل نهفتگی و ظهور را پیموده و اکنون در مرحله جاری یا نهادینگی قرار دارد. ایران‌هراسی بخشی از برنامه «ایران‌ستیزی» دولت امریکا است که از بدو پیدایش انقلاب اسلامی شکل گرفت.

علت ستیز امریکا با ایران آن بود که سیاست‌های امریکا در منطقه خاورمیانه و جهان، پس از قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران با مانع جدی روبه‌رو شد. امریکا با توجه به شرایط داخلی دستگاه

تفصیلی بدل می‌سازد (برون و کلارک، ۲۰۰۶). در تحلیل مضمون، سه سطح از مضامین توصیف و تفسیر می‌شوند: مضمون‌های اصلی یا پایه که دربردارنده نکات کلیدی متن هستند؛ مضمون‌های سازمان‌دهنده که از ترکیب و تلخیص مضمون‌های اصلی به دست می‌آیند و مضمون‌های فراگیر که عالی‌ترین سطح و دربرگیرنده اصول کلی حاکم بر متن‌اند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

برای تشخیص مضمون‌های اصلی، دو روش وجود دارد: روش استقرایی مبتنی بر داده و روش قیاسی مبتنی بر نظریه (همان، ص ۱۷۴). به بیان دیگر، پژوهشگر یا مضامین را مستقیماً از متن به دست می‌آورد و یا آنکه مبتنی بر نظریه‌ای و به صورت پیش‌فرض، مضامینی را در نظر دارد و آنها را در متن جست‌وجو می‌کند. در تحقیق حاضر، از روش استقرایی استفاده شده است.

۱. سیاست عمومی (خط‌مشی عمومی)

سیاست عمومی یا خط‌مشی عمومی، تصمیمی است که در قبال مشکلی عمومی اتخاذ می‌شود. خط‌مشی عمومی طی فرایندی اتخاذ می‌شود که به آن فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌گویند (قلی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

عامل خط‌مشی‌گذاری عمومی، دولت (حکومت) است؛ لذا تصمیمات شرکت‌ها و سازمان‌های بخش خصوصی، تصمیمات سازمان‌های خرد و حرفه‌ای، تصمیمات گروه‌های ذی‌نفع و دیگر افراد یا گروه‌های اجتماعی خط‌مشی‌های عمومی نیستند؛ از این رو می‌توان گفت خط‌مشی عمومی، ترسیم خطوط اصلی اقدامات آینده دولت و هدف اصلی از آن، تحقق خواسته‌های عمومی با بهترین وسایل ممکن است (همان).

هاولت مراحل خط‌مشی‌گذاری عمومی را به پنج مرحله تقسیم کرده است: دستورگذاری، تنظیم خط‌مشی، تصمیم‌گیری، اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی. در الگوی پیشنهادی وی، دستورگذاری به فرایندی اشاره دارد که بر اساس آن، مشکلات به اطلاع دولت‌ها رسانده می‌شود. تنظیم خط‌مشی اقدامی است که بر اساس آن جوانب مختلف خط‌مشی در درون دولت تنظیم می‌شوند. تصمیم‌گیری فعالیتی است که بر اساس آن، دولت‌ها مجموعه اقدامات خاصی را اتخاذ، یا عدم اقدام را اختیار می‌کنند. ارزیابی خط‌مشی، فعالیت‌هایی را دربر می‌گیرد که بر اساس آنها دولت نتایج خط‌مشی‌ها را با بازخورد گرفتن از جامعه ارزیابی می‌کند و نتیجه ممکن است تجدیدنظر مفهومی در مسائل و راه‌حل‌های مربوط به خط‌مشی باشد (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، ص ۱۹). قلی‌پور مراحل مورد نظر هاولت را به گونه‌ای دیگر نظم بخشیده است که در جدول ذیل نشان داده می‌شود (۱۳۹۱، ص ۱۲۵، با تصرف):

سیاست خارجی، شرایط منطقه‌ای در خلیج فارس و موقعیت برتر این کشور در زمان پهلوی هرگز حاضر نشد تغییرات ایجادشده در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران را بپذیرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۰). حال پرسش این است که چرا امریکا در ایران‌ستیزی، به ایران‌هراسی روی آورده است؟ علت ایران‌هراسی از زوایایی گوناگون قابل تحلیل است که در ادامه به برخی ابعاد آن اشاره می‌کنیم.

۲-۱. چرایی ایران‌هراسی

موارد ذیل را می‌توان بخشی از علل در پیش گرفتن ایران‌هراسی از سوی دشمنان ایران دانست:

۱-۲-۱. کاهش قدرت نرم ایران

یکی از اهداف ایران‌هراسی، کاهش محبوبیت ایران در سطح جهان است که می‌توان آن را کاهش قدرت نرم ایران نامید. قدرت هر کشوری به دو گونه سخت و نرم قابل تقسیم است. قدرت سخت ناظر به توان نظامی یک کشور است، اما قدرت نرم به معنای «قابلیت نفوذ در رفتار دیگران به منظور حصول نتایج دلخواه» (نای، ۱۳۹۹، ص ۳۸) است. جوزف نای، پژوهشگر نام‌آشنای علوم سیاسی، در تبیین قدرت نرم می‌گوید: «اگر شما اعتقاد داشته باشید که اهداف من از مشروعیت لازم برخوردار است، من قادر خواهم بود بدون اینکه از تهدید یا مشوقی استفاده کنم شما را به انجام کار خود ترغیب نمایم» (همان، ص ۳۹). وی بر ایند کنش متقابل قدرت سخت و نرم را «قدرت هوشمند» می‌نامد (همان، ص ۲۹). با این توضیح می‌توان گفت قدرت نرم، محصول و برابند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است (شرف‌الدین، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

استعمار قدیم نیز که پیش از این بر قدرت نظامی تکیه می‌کرد، امروزه بر ابزار فرهنگی تأکید می‌کند. استعمار فرانو برای حفظ سلطه جهان غرب، بیش از آنکه از ابزارهای نظامی و سیاسی یا اقتصادی استفاده کند، از ابزارهای فرهنگی بهره می‌برد و هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد. استعمار فرانو با ارائه جذابیت‌های فرهنگی خود می‌کوشد تا علاقه مردمان دیگر ملل را به خود جلب کند و بر قدرت نرم خویش بیفزاید.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران همواره مورد حمله دولت‌ها و یا گروه‌های متخاصم بوده است. دولت‌های غربی، دولت‌های وابسته به غرب در منطقه و گروه‌هایی مانند گروهک‌های تکفیری، هر یک از سویی قدرت نرم ایران را هدف گرفته‌اند تا با کاهش محبوبیت ایران، از اثرگذاری آن بکاهند.

۲-۱-۲. تأمین امنیت اسرائیل

تأمین امنیت اسرائیل و تغییر دشمنی مسلمانان از اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، یکی از اصلی‌ترین اهداف ایران‌هراسی در سطح منطقه و در بین ملل مسلمان است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

شیعه‌هراسی به وجود می‌آوردند؛ ایران‌هراسی به وجود می‌آوردند؛ برای اینکه رژیم غاصب صهیونیستی را محفوظ نگه دارند... هدف امریکا و جبهه غربی‌ها از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی چیست؟ چرا این را فکر نمی‌کنند؟ رژیم صهیونیستی غاصب - که امروز بزرگ‌ترین بلیه دنیای اسلام وجود این رژیم است - باید بتواند با آسودگی زندگی کند؛ بر مشکلات خودش فایق بیاید؛ بر عوامل نابودکننده‌ای که بحمدالله در ارکان آن رژیم غاصب وجود دارد فایق بیاید؛ این نمی‌شود مگر اینکه سر مسلمان‌ها را بند کنند؛ بین آنها اختلاف بیندازند؛ مسائل کوچک را برای آنها بزرگ کنند (۱۳۹۳/۳/۶).

۳-۱-۲. فروش سلاح و حضور نظامی در منطقه

امریکا برای لشکرکشی از آن سوی دنیا به این سو نیازمند بهانه‌ای است که این حرکت را در اذهان بین‌المللی و منطقه‌ای مشروعیت بخشد. نشان دادن ایران به منزله تهدیدی بین‌المللی راه را برای حضور نظامی امریکا در منطقه فراهم می‌سازد. رهبر انقلاب با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

از روز اول انقلاب، تلاش تبلیغاتی‌ها و سیاست‌بازهای استکبار، آن بوده است که کشورهای حاشیه خلیج فارس را از جمهوری اسلامی بترساند؛ برای اینکه بتواند به آنها سلاح بفروشد؛ برای اینکه بتواند در آنجا برای خود حضور نظامی تأمین کند. من نمی‌دانم آیا وقت آن نرسیده است که دل‌ها و ذهن‌هایی در این کشورها به خود آیند و بفهمند که امریکا خیر آنها را نمی‌خواهد؛ بفهمند که امریکا و تبلیغاتی‌های صهیونیست در همه جای دنیا - که طرف خطایشان آنها هستند - نشان این است که به خلیج فارس بیایند و حضور نظامی پیدا کنند و منافع اقتصادی نامشروع برای خودشان تأمین نمایند و البته اگر بتوانند، فشاری بر جمهوری اسلامی و ملت ایران باشند؟ (۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

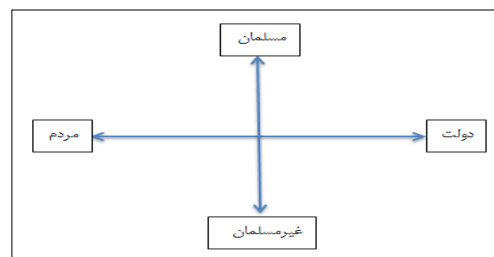
۲-۲. محورهای ایران‌هراسی

محورهای ایران‌هراسی، به مثابه یکی از سیاست‌های تبلیغاتی امریکا را می‌توان در هفت بند برشمرد: ۱. دسترس ایران به سلاح‌های هسته‌ای، ۲. حمایت از تروریسم، ۳. نقض حقوق بشر، ۴. تهاجمی بودن فناوری دفاعی ایران، ۵. دخالت در امور کشورها، ۶. اسلامی بودن نظام سیاسی، ۷. مخالفت با صلح و ثبات منطقه‌ای. مخدوش جلوه دادن ماهیت و ارکان نظام دینی و رویکرد تخاصمی نسبت به ایران، نقطه مشترک همه محورهای مزبور است که برآیند آن، چهره‌ای از جمهوری اسلامی را در ذهن مخاطب آماج ترسیم می‌کند که بر پیش‌فرض و انگاره ایجاد هول و هراس استوار است (سراج، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

۳-۲. گستره ایران‌هراسی

ایران‌هراسی گستره وسیعی دارد و هم دولت‌ها و هم ملت‌ها را دربر می‌گیرد. همچنین از منطقه فراتر می‌رود و در گستره جهانی صورت می‌گیرد. دولت‌های کشورهای مسلمان، دیگر دولت‌های جهان، ملت‌های مسلمان و دیگر ملت‌های جهان هر یک به گونه‌ای در گستره سیاست ایران‌هراسی قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان ایران‌هراسی را در چهار بعد مشاهده کرد:

شکل ۱. گستره ایران‌هراسی



می‌توان هر یک از محورهای پیش‌گفته را با توجه به گستره ایران‌هراسی نظم بخشید که در نتیجه برخی گزینه‌ها مانند ادعای دخالت ایران در امور دیگر کشورها در گستره‌ای جهانی و برخی گزینه‌ها مانند ادعای نقض حقوق بشر در ایران عموماً در میان مردم و دولت‌های غیرمسلمان انجام می‌پذیرد. آنچه در این پژوهش مطالعه می‌شود، «ایران‌هراسی در گستره ملت‌ها» است.

۳. راه‌حلیابی: دیپلماسی فرهنگی

نظریات مبنای راه‌حل‌ها و گزینه‌های سیاست‌گذاری عمومی‌اند. هر سیاستی به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه بر بنیانی نظری شکل می‌گیرد. این بنیان نظری گاه منقح‌شده و شفاف است و گاه منقح‌ناشده و غیرشفاف است. سیاست‌گذاری فرهنگی در سطوح متفاوتی از نظریات قابل بررسی و از بسترهای مختلف نظری، قابل استخراج است (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). بنابراین راه‌حلیابی نیز به‌منزله بخشی از فرایند سیاست‌گذاری، متأثر از بنیان‌های نظری است.

یکی از آموزه‌های دینی که می‌تواند در این عرصه به‌منزله چارچوب نظری به کار گرفته شود، تأکید بر گفت‌وگو با مخالفان است. در قرآن مجید، خطاب به پیامبر اعظم ﷺ آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. همچنین حضرت موسی ﷺ

نیز دستور یافت که در مرحله نخست تبلیغ خویش، با زبانی نرم با فرمانروای کفر سخن بگوید: «إِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۳ و ۴۴)؛ به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گوئید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

البته این در گام نخستین دعوت است و در مراحل بعدی که حجت بر آنان تمام می‌شود و لجاجت و عناد کفار استمرار می‌یابد، دستور الهی زبان محکم و قاطع است؛ چنان‌که امروزه در مواجهه با امریکا شاهد استمرار چنین لجاجتی هستیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه: ۱۲۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید، و آنان باید در شما خشونت بیابند. همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «مَلْعُومٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند.

برای زدودن انگاره‌های نادرست از ایران در اذهان دولتمردان و مردم جهان باید با آنان ارتباط برقرار کرد و کوشید تا واقعیت را برایشان نمایان شود. فرایند ارتباط با دولتمردان و مردم دیگر کشورها را می‌توان در قالب دیپلماسی مطرح کرد. دیپلماسی به دو گونه رسمی و عمومی انجام می‌پذیرد. دیپلماسی رسمی ناظر به ارتباط دولتمردان با یکدیگر است که می‌تواند به صورت دیپلماسی رسانه‌ای نیز انجام پذیرد؛ بدین معنا که طرفین از طریق رسانه‌های جمعی پیام‌های خود را به طرف دیگر منتقل می‌کنند. این شیوه دیپلماسی می‌تواند در مقابله با ایران‌هراسی در گستره دولت‌ها به کار گرفته شود. دو رویکرد کلی در تعریف دیپلماسی رسانه‌ای وجود دارد: رویکرد اول آن را ذیل دیپلماسی عمومی برمی‌شمارد و آن را استفاده دولت‌مردان از ابزارهای رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر عموم جامعه هدف می‌داند؛ در رویکرد دوم که در تعاریف جدید مورد توجه قرار گرفته است، دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان مفهومی کاملاً جدا از دیپلماسی عمومی دیده شده است و به منظور تأثیرگذاری بر حاکمان و دولت‌مردان کشور دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد (بشیر و موذن، ۱۳۹۲، ص ۳۲۶). این نوشتار تعریف دوم را برگزیده است.

نوع دوم دیپلماسی، دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی ناظر به ارتباط یک دولت با مردم دیگر کشورهاست. بنابراین «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است» (ملیسن، ۱۳۸۷،

ص ۵۳). به بیان دیگر «دیپلماسی عمومی عبارت است از کوشش‌های یک دولت برای ایجاد ارتباط با مردم جامعه دیگر به منظور توضیح ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید جامعه خود، به‌منظور ترمیم رابطه، وجهه و شهرت خود در آن کشور» (تیلور، ۲۰۰۶).

دیپلماسی عمومی به دو گونه قابل اجراست: سنتی و نوین. در دیپلماسی عمومی سنتی، یک الگوی سلسله‌مراتبی دولت‌محور وجود دارد، اما دیپلماسی عمومی نوین، شبکه‌ای عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که مردم فعالانه در دادن و گرفتن پیام مشارکت می‌کنند (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۸۷). دیپلماسی عمومی نوین، نه یک فعالیت دولتی صرف، بلکه فعالیتی است که به عوامل دولتی و غیردولتی، مانند سازمان‌های غیردولتی، نهادهای آموزشی خصوصی، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی وابستگی دارد (همان، ص ۸۵).

به بیان دیگر، در دیپلماسی عمومی سنتی دولت حضوری آشکار و مستقیم دارد، که رایزنی‌های فرهنگی و شبکه‌های دولتی نمونه‌هایی از آن است؛ اما در دیپلماسی عمومی نوین، حضور دولت پنهان است و می‌کوشد مردم کشورش را به تعامل هدایت‌شده با مردم کشور هدف وادارد.

دیپلماسی عمومی (اعم از سنتی و نوین)، ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد که از جمله آنها دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی اقتصادی است (رک: دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

از آنجاکه ابزار اصلی در دیپلماسی عمومی، ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای و انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است (ملیسن، ۱۳۸۷، ص ۵۳)، می‌توان گفت که دیپلماسی عمومی عمدتاً شامل دیپلماسی فرهنگی می‌شود. از این‌روست که می‌توان مدعی شد که «دیپلماسی عمومی در حال تبدیل به دیپلماسی فرهنگی است و تمایز سنتی میان این دو اصطلاح، به‌سرعت در حال از بین رفتن است» (لیلیویت، ۲۰۰۸).

دیپلماسی فرهنگی از تبلیغات فرهنگی متمایز است. هدف دیپلماسی فرهنگی، برخلاف تبلیغات، تعامل با مخاطبان است و نه القای پیام‌های غیرواقعی و تحریف‌شده. همچنین در دیپلماسی فرهنگی بر روابط متقابل پایدار و درازمدت تأکید می‌شود، تا مبارزه و کشمکش سیاسی کوتاه‌مدت و زودگذر برای کسب منافع آنی و فوری (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

۳-۱. پیام دیپلماسی فرهنگی

رهبر معظم انقلاب، مضامین پایه‌ای را که باید در فرایند دیپلماسی فرهنگی به‌نخبگان و توده ملت‌ها ارائه شود، شامل موارد ذیل می‌داند.

۱-۳. معرفی اسلام

معرفی و تبیین دین مبین اسلام یکی از مواردی است که باید به جهانیان ارائه شود. مقام معظم رهبری در پیامی درباره سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم، «معرفی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام به جهانیان» را یکی از وظایف مسئولان اعلام کرده‌اند (مکتوبات، ۱۳۷۸/۲/۳۰).

چگونگی معرفی دین نیز یکی از نکات مهم در این باره است. ایشان در هشدار مهم، تقلیل دین به بایدها و نبایدها را عوامانه‌ترین نوع معرفی دین می‌دانند:

عده‌ای از روی کج‌فهمی یا از روی غرض، این‌طور وانمود می‌کنند که دین عبارت است از یک سلسله ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، بکن نکن، بخور نخور؛ دین را این‌گونه معرفی می‌کنند. دین این است؟! این غیرمنصفانه‌ترین و عامیانه‌ترین نگاه نسبت به هر دینی، بخصوص دین اسلام است. معرفت روشن، شادابی ناشی از ایمان، حرکت برخاسته از معرفت، به کار انداختن روح خردمندی و آن وقت جهان‌بینی روشن و شفاف نسبت به همه پدیده‌های عالم؛ این پایه دین است. دین در درجه اول، یک معرفت و یک شناخت است؛ شناخت نسبت به این عالم، نسبت به انسان، نسبت به مسئولیت، نسبت به مسیر و راه و هدف؛ مجموعه این معرفت‌ها پایه دین است. دین، انسان را محور جهان می‌داند؛ جهان را مجموعه و مظهری از صنع قدرت و لطف و رحمت الهی می‌داند؛ در بنای جهان و مهندسی عظیم عالم وجود، دست قدرت و صنع خدا را دخیل و همه‌کاره می‌داند (۱۳۷۹/۵/۵).

۲-۳. معرفی پیامبر ﷺ

معرفی شخصیت پیامبر اعظم ﷺ، باید یکی دیگر از بخش‌های پیام دیپلماسی فرهنگی ایران باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

چهره پیامبر اسلام ﷺ را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم و بسیار بجاست قبل از آنکه دشمنان و مخالفان، با روش‌ها و شیوه‌های فرهنگی و هنری پیچیده خود، چهره آن بزرگوار را در اذهان مردم بی‌خبر عالم مخدوش کنند، مسلمانان هنرمند و مطلع و وارد به شیوه‌های گوناگون در عالم، با بیان و تبلیغ و تبیین راجع به آن شخصیت معظم و مکرم، کار علمی و فرهنگی و هنری و تبلیغی بکنند. اینها کارهای لازمی است... باید روی معرفی شخصیت رسول اکرم کار کنیم، و نه فقط شخصیت آن بزرگوار به معنای زندگی آن حضرت، بلکه ابعاد گوناگون وجود آن بزرگوار مثل اخلاقیات و روش حکومت و مردم‌داری و عبادت و سیاست و جهاد و تعلیمات خاص را مورد توجه قرار دهیم. نه فقط هم کتاب بنویسیم، بلکه باید کار هنری و تبلیغی را با شیوه‌های جدید و با استفاده از تکنیک‌های موجود شروع کنیم (۱۳۶۸/۷/۲۴).

۳-۱-۳. معرفی اهل‌بیت

معرفی و شناساندن جانشینان پیامبر اعظم ﷺ نیز بخش دیگری از وظیفه دیپلماسی فرهنگی ایران است که رهبر معظم انقلاب در سخنان دیگری به آن اشاره کرده‌اند:

ما برای اعلامی کلمه اهل‌بیت ﷺ باید کارهایی انجام بدهیم: اولاً باید خود اهل‌بیت ﷺ را معرفی بکنیم؛ ثانیاً در جهت ترویج افکار آنها بکوشیم. آیا امروز در جهان اسلام کتاب‌هایی درباره اهل‌بیت ﷺ وجود دارد که باب این زمان باشد و با زبان مناسب نوشته شده باشد، یا نه؟ البته بیشتر تصور من این است که ما به طور کامل نداریم. حالا شاید بعضی از گوشه و کناره چیزهایی باشد. اگر هست، ما اینها را برای دانشجویان، برای جوانان به طور عام، برای روحانیون، برای عامه مردم، برای کسانی که تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفتند، پخش و منتشر کنیم و در اختیار بگذاریم. هم در باب معرفی شخصیت اهل‌بیت ﷺ باید کتاب‌ها و نوشته‌ها منتشر شود و کار فرهنگی وسیعی انجام بگیرد، و هم در باب آرا و افکار و معارفی که در زمینه مسائل اسلامی یعنی در اصول اسلامی و در عقاید اسلامی و سایر معارف از آنها رسیده است (۱۳۷۰/۷/۴).

از منظر رهبر معظم انقلاب، یکی از خطوط قرمزی که در تبیین زندگی اهل‌بیت ﷺ باید مد نظر داشت، عدم اهانت به مقدسات دیگر فرقه‌های اسلامی است. ایشان در دیدار با گروهی از تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیو می‌فرماید:

طعن به خلفا در رادیو مطلقاً جایز نیست؛ الان حرام شرعی است. داعیه ما این است که می‌خواهیم انقلابمان را به دنیا صادر کنیم؛ کدام دنیا؟ در درجه اول، دنیای اسلام است. آن وقت دنیای اسلام که یک میلیارد و دوست میلیون نفر جمعیت دارد و حدود چهار پنجمشان کسانی هستند که به چیزهایی به شکل مقدسات اعتقاد دارند، شما بیاید به این مقدسات اهانت بکنید؟ آیا این انقلاب صادر می‌شود؟ خوب است بدانید و لابد بعضی می‌دانند که در الجزایر وقتی که بواد و نشانه‌های این نهضت فعلی ظاهر شد، یکی از کارهایی که کردند، این بود که یک رساله در باب عقاید شیعه نسبت به خلفا منتشر کردند، تا خوب رابطه آنها را با انقلاب قطع کنند (۱۳۷۰/۱۲/۱۳).

۳-۱-۴. معرفی ماهیت انقلاب اسلامی

ارائه تصویری صحیح از پیدایش و نیز آرمان‌ها و منطبق انقلاب اسلامی، مهم‌ترین پیامی است که باید در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، به صورت مستمر به مردمان دیگر کشورها انتقال یابد.

آنها قصد دارند با ارائه یک چهره مخدوش از نظام جمهوری اسلامی، مردم دنیا و علاقه‌مندان به این نظام را بدبین کنند و از تأثیر معنوی و روحی انقلاب اسلامی بکاهند. بر همین اساس مهم‌ترین وظیفه نمایندگان فرهنگی، ارائه یک تصویر درست از انقلاب اسلامی است (۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

با توجه به اهمیت این پیام، ایشان انتقال این محتوا را امری مستمر می‌دانند: «باید در حرکتی مستمر، تدریجی و برنامه‌ریزی‌شده و با استفاده از ذوق و سلیقه و هنر، توجه افکار عمومی و نخبگان ملت‌ها را به تفکر و مبانی انقلاب اسلامی جذب کرد» (۱۳۸۱/۵/۲۳).

تصویری جامع و صحیح از پیدایش انقلاب اسلامی، از چه ابعادی برخوردار است؟ مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۶۶ و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حضور سران و نمایندگان کشورهای جهان، انقلاب اسلامی ایران را دربردارنده چهار بعد منحصر به فرد می‌دانند که عبارت است از: مردمی بودن، دینی بودن، استقلال (عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ) و در نهایت مورد هجوم سنگین ابرقدرت‌ها بودن.

درباره ما و انقلابمان و اصول و نقطه‌نظرهایمان پیش از معمول سخن مغرضانه یا جاهلانه گفته شده است. در انقلاب ما چند نقطه اختصاصی هست که می‌توان آن را استثنایی از سرگذشت معمولی انقلاب‌ها شمرد. اول: این انقلاب حتی در شروع خود صددرصد مردمی بود... دوم: این انقلاب متکی به دین بود، به اسلام... سوم: عدم اتکا به شرق یا غرب، خصوصیت استثنایی دیگر این انقلاب بود... انقلاب ما ثابت کرد که می‌توان قدرت‌های سلطه‌گر را به خود راه نداد، و قلدری آنان را جدی نگرفت، و به آنان باج نداد. مشروط بر اینکه نقطه اتکایی قوی‌تر از هر قدرت مادی را باور داشت... چهارم: یک خصوصیت استثنایی دیگر نیز در انقلاب ما بود و هست و آن خصومت‌ها و ضربه‌های استثنایی علیه آن است. هیچ انقلابی از دشمنی نظام سلطه در جهان برکنار نمی‌ماند؛ اما تنوع، عمق، گستردگی و خشم‌آلودگی خصومت‌هایی که در طول نه سال با ما شده، حکایتی استثنایی و شنیدنی است (۱۳۶۶/۳۱).

گذشته از تبیین پیدایش انقلاب اسلامی، ارائه منطبق و آرمان‌های انقلاب نیز بخشی دیگر از پیام معرفی انقلاب به شمار می‌رود. می‌توان اصول انقلاب را از منظر رهبر انقلاب در این موارد خلاصه کرد: «استقلال، آزادی، جمهوریت و مردم‌سالاری دینی، معنویت و اخلاق، خدمت‌گزاری به مردم، فسادستیزی (اقتصادی، اداری، فرهنگی و...)، عدالت‌خواهی داخلی و توجه به مستضعفان، عدالت‌خواهی جهانی و مبارزه با استکبار و دفاع از مظلومان جهان» که تجلی همه این اصول ثابت و تغییرناپذیر، «قانون اساسی» است:

این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را مورد توجه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است... خدمت به مردم، از اصول انقلاب است. حفظ استقلال کشور در همه زمینه‌ها و جلوگیری از نفوذ و رخنه دشمنان، جزو اصول تغییرناپذیر انقلاب است. بنابراین، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها،

دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم؛ اینها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست. مظهر همه اینها قانون اساسی مترقی ماست... اصول و خطوط اصلی انقلاب قابل تغییر نیست. البته دولت‌ها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول می‌توانند تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را انتخاب کنند. ما نمی‌گوییم اختلاف سلیقه‌های مردم و جریان‌های سیاسی از صحنه سیاست کشور برداشته شود. این نه ممکن است، نه مفید (۱۳۸۱/۳/۱۴).

در معرفی انقلاب اسلامی، تأکید بر شناساندن شخصیت حضرت امام خمینی^ع از جمله موارد مورد تأکید مقام معظم رهبری است. ایشان در پیامی به رئیس‌جمهور وقت درباره سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم، به «تبیین شخصیت و مبانی سیاسی و فکری امام خمینی به جهانیان» به‌منزله یکی از سیاست‌های کلی نظام اشاره می‌کنند (مکتوبات، ۱۳۷۸/۲/۳۰).

۱-۳-۴. محاکمه غرب

هم‌زمان با معرفی ماهیت انقلاب اسلامی، معرفی و نقد ماهیت نظام سلطه امری بایسته است. از آغاز انقلاب اسلامی، غرب همواره ایران را به نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و... متهم ساخته است. در مقام پاسخ به این دروغ‌های نظام سلطه، می‌توان دو رویکرد در پیش گرفت: نخست آنکه در پاسخ‌گویی به این اتهامات بکوشیم و در این نقطه متوقف شویم و دیگر آنکه ضمن دفاع از خود، از موضعی تهاجمی به نقد اندیشه و رفتار دولت‌های غربی بپردازیم. روش دوم مورد تأیید مقام معظم رهبری است:

ما باید با افتخار، عزت، سربلندی و شجاعت و از موضعی تهاجمی نه تدافعی، به تبیین حرف‌های تازه خود در زمینه مردم‌سالاری دینی و اخلاق و عزت‌پردازیم و به‌عنوان رقیبی جدی، لیبرال‌دموکراسی غرب را به علت فنا کردن اخلاق بشر، ایجاد دو جنگ جهانی، تولید سلاح‌های اتمی و شیمیایی و تأسیس گروه‌هایی نظیر طالبان به چالش بکشیم و وادار به پاسخ‌گویی کنیم (۱۳۸۱/۵/۲۳).

۵-۱-۳. بیان پیشرفت‌های انقلاب

همان‌گونه که گفته شد، هدف در دیپلماسی فرهنگی، ایجاد جذابیت برای یک کشور در اذهان مردم دیگر کشورهای جهان است. یکی از اموری که می‌تواند بر جذابیت انقلاب اسلامی بیفزاید، بیان پیشرفت‌های ایران در عرصه‌های گوناگون از جمله در حوزه‌های علمی است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «معرفی پیشرفت‌های چشمگیر علمی... از وظایف نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است» (۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

پیشرفت‌های علمی ایران امری است که تاکنون توانسته است بسیاری را به انقلاب اسلامی دل‌بسته سازد. سایت خبری الجزیره، خبری را در سی و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران با عنوان «ایران تحتفل بذكری ثورتها» (ایران سالگرد انقلابش را گرامی می‌دارد) منتشر کرد، که نظرات کاربران آن سایت، می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده برخی جذابیت‌های ایران (منابع قدرت نرم ایران) در جهان عرب به شمار رود. یکی از کاربران عربستانی که در مقابل پیشرفت علمی ایران در دانش‌هایی همچون انرژی هسته‌ای، ساخت و پرتاب ماهواره، شبیه‌سازی، ربات، لیزر و نانو شگفت‌زده شده، چنین اظهارنظر می‌کند:

انا لا أتفاجأ لو ان ایران اختبرت قبلة ذریه حتی من قبل ۵ سنوات ولا أتفاجأ أنهم وصلوا المریخ ولكن الذی لا اصدقه ولا یمكن حتی اتخيله ان العرب یستطیعون ان یصنعوا معجون اسنان او حتی عود کبریت فالی الامام ایها الشعب الایرانی العزیز اما نحن فلم یبقی لنا غیر الذل والهوان و... : من غافلگیر نمی‌شوم اگر ایران قبل از پنج سال دیگر بمب اتمی‌اش را آزمایش کند، و غافلگیر نمی‌شوم اگر آنها به مریخ بروند؛ اما آن چیزی را که تأیید نمی‌کنم و حتی نمی‌توانم فکرش را بکنم این است که عرب‌ها بتوانند یک خمیر دندان یا حتی چوب کبریت بسازند. پس به پیش بروید ای مردم عزیز ایران که برای ما چیزی جز ذلت و حقارت و... نمانده است (الجزیره نت، ۱۳۸۸).

۶-۱-۳. بیان نشاط معنوی مردم

دین یکی از مؤلفه‌های قوام‌بخش انقلاب اسلامی ایران است که استمرار این رکن، می‌تواند بر جذابیت ایران در میان ملت‌های مسلمان بیفزاید. از این‌رو بیان این امر در روند دیپلماسی فرهنگی، ارتقابخش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در میان مردم کشورهای اسلامی خواهد بود. رهبر معظم انقلاب درباره لزوم معرفی روح معنوی حاکم بر جامعه ایران می‌فرماید:

حضور معنوی و عاشقانه قشرهای مختلف مردم به‌ویژه جوانان در مراسم مذهبی اعم از جلسات قرآن، دعا، و عزاداری‌ها، یک رویداد بزرگ در کشور است که باید با هنرمندی و مستندسازی به مردم دنیا نشان داده شود (۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

۷-۱-۳. معرفی میراث فرهنگی معرفتی ایران

در اندیشه مقام معظم رهبری تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی که تجلی‌بخش فرهنگ اسلامی است، باید یکی از محورهای پیام در دیپلماسی فرهنگی ایران باشد: «باید عمق فرهنگ و تمدن کشور... برای جهانیان معرفی شود» (۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

ایران همواره در طول تاریخ یکی از کانون‌های تمدن در جهان بوده است و تاریخ هفت هزار ساله آن، گواهی صادق بر ژرفا و گستره فرهنگ و تمدن ایران است. پس از اسلام نیز ایران همواره یکی از محورهای اصلی در تمدن اسلامی بوده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

یک حقیقت دیگر؛ و آن، سطح متوسط بالای ذهنی و هوشمندی نسل‌های ایرانی است، که این جزو چیزهای مسلم است و شعار و تبلیغ نیست. ذهن و هوشمندی ایرانیان از متوسط ذهن و هوشمندی ملل جهان بالاتر است. این یک سخن علمی و آماری و تحقیق شده است. گذشته ما هم همین را نشان می‌دهد. فرهنگ و تمدن ایرانی در ادوار مختلف، برای ملل دنیا یک شاخص برجسته و یک پرچم به حساب می‌آمده. در دوره اسلامی هم ملتی که توانست دانش و فلسفه و علوم مختلف و روش‌های زندگی را از اسلام بگیرد و آنها را در چارچوب منطق‌های مستحکم پایدار کند و به دنیا ارائه دهد، عمده‌تاً ایرانی‌ها بوده‌اند. این را دیگران هم قبول دارند (۱۳۸۳/۱۲/۵).

البته نباید از نظر دور داشت که تاریخ‌نویسان غرب‌نشین، با این ادوار هم‌نوا نیستند و در کتاب‌های تاریخی، بدون رعایت انصاف علمی، از ذکر تمدن و فرهنگ شکوهمند اسلامی و ایرانی خودداری می‌کنند. رهبر انقلاب در تبیین این واقعیت تلخ می‌فرماید:

مورخان غربی به هنگام حکایت تاریخ علم و تمدن، این رستاخیز عظیم و بی‌سابقه علم و فرهنگ و تمدن را یک‌سره در بوته اجمال و اهمال می‌نهند و سرگذشت علم را از یونان و رم باستان، یک‌سره به رنسانس متصل می‌کنند! گویی علم و تمدن، هزار سال مرده بود و یک‌باره در رنسانس تولد یافت! لیکن حقیقت آن است که قرون وسطا، فقط برای غرب و اروپا دوران تاریکی و جهالت و وحشت بود، ولی برای دنیای اسلام با گستره‌ای چندین برابر اروپا، یعنی از اندلس تا چین، دوران تشعشع و بیداری و عروج علمی شمرده می‌شد (۱۳۷۶/۹/۱۸).

روشن است که معرفی فرهنگ و تمدن غنی ایران، برآمده از تکبر، ملی‌گرایی و تعصب‌های نژادی نیست، بلکه معرفی ذخایر ارزشمندی از مدنیت گذشته عالم است و نسل کنونی ایران، به‌منزله امانت‌داران این مواریت کهن بشریت اعم از فلسفه، عرفان، اخلاق، سیاست و...، وظیفه خود می‌داند که جهانیان را با این آموزه‌های عظیم آشنا سازد.

این میراث فرهنگی و معرفتی عمدتاً متعلق به دوران ایران پس از اسلام است؛ ازین‌رو باید این بخش از تاریخ ایران مورد توجه قرار گیرد: «به جای تأکید بر ایران قبل از اسلام بر ایران بعد از اسلام تأکید شود زیرا افتخارات ایران بعد اسلام در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران وجود نداشته است. رشد پیشرفت‌های علمی، هنری، فرهنگی و حتی نظامی در ایران بعد اسلام به‌ویژه در دوران دیلمی، سلجوقیان و صفویه به هیچ وجه قابل مقایسه با ایران قبل از اسلام نیست» (۱۳۹۰/۶/۰۷).

نتیجه‌گیری

ایران‌هراسی یکی از سیاست‌های تبلیغاتی امریکا و کشورهای همسو با آن در دیگر نقاط جهان و از جمله غرب آسیاست. این جریان که از بدو پیدایی انقلاب آغاز شده است، اکنون در مرحله جریان یا نهادینگی قرار دارد و ازین‌رو اثبات آن به‌منزله یک مسئله دشوار نیست.

ایران‌هراسی در گستره دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان انجام می‌گیرد. راهکار مقابله با ایران‌هراسی در گستره دولت‌ها، دیپلماسی رسمی و در گستره ملت‌ها، دیپلماسی فرهنگی است. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، مضامینی همانند معرفی پیامبر ﷺ، معرفی اهل‌بیت ﷺ و معرفی ماهیت انقلاب اسلامی از جمله پیام‌هایی هستند که باید در دیپلماسی فرهنگی به مردم جهان منتقل شوند. مضامین اصلی پیش‌گفته را می‌توان در چند مضمون سازمان‌دهنده و یک مضمون فراگیر، طبق جدول ذیل گنجانند:

جدول ۲. مضامین اصلی، سازمان‌دهنده و فراگیر در دیپلماسی فرهنگی

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
معرفی اسلام	معرفی دین ایرانیان (ایران اسلامی)	معرفی ایران
معرفی پیامبر اعظم ﷺ		
معرفی اهل‌بیت ﷺ		
معرفی ماهیت انقلاب اسلامی	معرفی سیاست ایرانیان (ایران انقلابی)	
بیان پیشرفت‌های انقلاب		
بیان نشاط معنوی مردم		
معرفی میراث فرهنگی معرفتی	معرفی فرهنگ ایرانیان (ایران فرهنگی)	

بنابراین می‌توان معرفی ایران را مضمون فراگیری دانست که باید به‌منزله رکن دیپلماسی فرهنگی ایران در نظر گرفته شود. در ذیل این عنوان، معرفی ایران از منظر مذهبی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد.

برای انتقال پیام در دیپلماسی فرهنگی، راهکار کوتاه‌مدت، ترجمه پیام‌ها به زبان‌های خارجی است؛ اما راهکار بلندمدت و اصلی‌تر، ترویج زبان فارسی است تا خود مردم جهان بتوانند مستقیماً با ایران آشنا شوند؛ چراکه یادگیری زبان یک کشور، به مثابه دادن گذرنامه به اتباع دیگر کشورها برای ورود به آن کشور است. مقام معظم رهبری، ترویج زبان فارسی را یکی از ضرورت‌های عرصه دیپلماسی فرهنگی می‌داند:

سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در مقابله با ایران‌هراسی ❖ ۹۳

یکی از وظایف اصلی سفیران فرهنگی، ترویج زبان فارسی از طریق پیگیری کرسی‌های زبان فارسی در مراکز علمی و دانشگاهی است (۱۳۸۸/۱۲/۱۱). مسئولان فرهنگی باید عمیق‌ترین و بهترین کارایی و صائب‌ترین تدبیر را داشته باشند که ترویج زبان فارسی یکی از بهترین کارهاست (۱۳۷۲/۵/۱۷).

ایشان همچنین در دیدار با استادان دانشگاه‌ها، بار دیگر بر ضرورت ترویج زبان فارسی در سطح بین‌الملل تأکید کردند:

زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید؛ فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند (۱۳۹۲/۵/۱۵).

منابع

- اشترینان، کیومرث، ۱۳۹۱، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران، جامعه‌شناسان
- ایزدی، فؤاد و همکاران، ۱۳۹۲، «ایران‌هراسی در آمریکا، بازنمایی شرق‌شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایرانیوم»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۵، ص ۶۹-۹۲.
- ایزدی، فؤاد، ۱۳۹۰، *دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات و مکتوبات، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- بشیر، حسن و کاظم مؤذن، ۱۳۹۲، «دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا در قبال بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱: تحلیل محتوا کیفی سایت فارسی صدای آمریکا»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۳، ص ۳۲۳-۳۴۴.
- الجزیره نت، ۱۳۸۸، ایران تحت‌فصل ذکری تورته‌ها، قابل دسترسی در: www.aljazeera.net/NR/exeres/7FVBE761-63D9-4415-FC6- (بازیابی در ۱۴ تیر ۹۳)
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۹، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»، *سیاست*، دوره چهارم، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۲۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و علیرضا فیروزی، ۱۳۹۱، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی»، *روابط خارجی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۷۱-۱۱۰.
- سراج، رضا، ۱۳۸۸، «ایران‌هراسی»، *موعود*، ش ۱۰۵، ص ۷۴-۷۶.
- شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۳۸۴، «قدرت نرم آمریکا و ایران»، *علوم سیاسی*، ش ۳۱، ص ۴۹-۵۸.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- قلی‌پور، رحمت‌الله، ۱۳۹۱، *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، سمت.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۰، «روش‌شناسی در علوم سیاسی (مصاحبه)»، *علوم سیاسی*، ش ۱۴، ص ۲۷۳-۲۹۲.
- ملیسن، یان، ۱۳۸۷، *دیپلماسی عمومی نوین کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه رضا کلهر، تهران، دانشگاه امام صادق.
- نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق.
- هاولت، مایکل و ام. رامش، ۱۳۸۰، *مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- Braun, V. & Clarke, V., ۲۰۰۶, Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, v. ۳, No. ۲, p. ۷۷-۱۰۱.
- Lillywhite, John, ۲۰۰۸, *Cultural & Public Diplomacy in America, India, China and Britain*, Available at: www.cd-n.org/index.php?aid=440 (۳۱/۳/۲۰۱۵).
- Taylor, Humphrey, ۲۰۰۶, *The Practice of Public Diplomacy*, In: *Diplomacy Practitioners, Policy Makers, and Public Opinion*, Joshua S. Fouts, Editor, USC Center on Public Diplomacy & the Pew Research Center, p. ۴۱-۵۹.